

مقالات علمی

اگرچه وجود احزاب و گروه‌های سیاسی در جوامع دموکراتیک امروزی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و رقابت سیاسی سالم به مثابه یک شاخص در بحث توسعه سیاسی غالباً مورد توجه قرار می‌گیرد، اما پیشینه این پدیده در ایران چندان مثبت نبوده است. مهمترین بخش مربوط به رقابت سیاسی در ایران را ملاحظات امنیتی و یا آسیب‌شناسی آن شکل می‌دهد که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است. جهت جبران این نقیصه در چهارمین شماره از فصلنامه مطالعات راهبردی به بررسی نسبت دو مقوله امنیت و رقابت و ارتباط آنها با بحث کلان منافع ملی پرداخته‌ایم. ملاحظات امنیتی در این جا ناظر بر تأسیس احزاب، نقش و جایگاه اپوزیسیون و تکثرگرایی می‌باشد.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی

چهره متغیر امنیت داخلی:

بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

■ فهرست

مقدمه	۲۰
فصل اول: ساختار نظری: الگوهای سه گانه "امنیت - رقابت"	۲۱
فصل دوم: الگوی امنیتی حضرت امام <small>علیه السلام</small>	۲۶
فصل سوم: الگوی امنیتی دولت آقای هاشمی رفسنجانی	۳۳
فصل چهارم: الگوی امنیتی دولت آقای سیدمحمد خاتمی	۳۶
نتیجه گیری: راهبردهای پیشنهادی	۴۳

■ چکیده

در این نوشتار مؤلف ضمن بررسی الگوی کلی مربوط به نحوه ارتباط امنیت داخلی با رقابت سیاسی - یعنی الگوهای تحدیدگرا، تثبیت‌گرا و تکثرگرا - به تحلیل سیاستگذاری حکومت اسلامی طی دو دهه گذشته پرداخته است. مطابق این تحلیل به خاطر وجود شرایط ناآرام و حساس اوایل پیروزی انقلاب، امام علیه السلام برای صیانت از انقلاب و حکومت اسلامی از الگوی تحدید استفاده کردند. در این الگو دولت برای تأمین امنیت سعی در محدود ساختن فعالیت‌های سیاسی و از آن جمله اصل مهم رقابت می‌نماید. علت این امر وجود رابطه معکوس بین امنیت داخلی و رقابت سیاسی است. با استقرار نظام و اتمام تهدید مهم جنگ تحمیلی، دولت آقای هاشمی الگوی تثبیت را به اجرا می‌گذارد. در این الگو با ثابت نگاه داشتن حد رقابت‌های سیاسی، دولت به بالا بردن میزان ثبات در کشور همت می‌گمارد تا از این طریق وحدت و یکپارچگی در کشور را به نمایش گذارد. هدف از این راهبرد، ایجاد بستر مناسب برای جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی و در یک کلام نیل به توسعه اقتصادی می‌باشد. در پی انتخابات دوم خرداد ۷۶، این الگو به نفع توسعه سیاسی تغییر می‌کند و رابطه‌ای مستقیم بین این دو مقوله برقرار می‌گردد. دولت با این فرض که گسترش رقابت سیاسی سالم منجر به تثبیت مبانی امنیت داخلی خواهد شد، توسعه سیاسی را در اولویت قرار می‌دهد و از آن پس ما شاهد تعریف تازه‌ای از امنیت داخلی می‌باشیم.

مقدمه

«ما برای ادامه این نهضت باید کوشش کنیم. یک نعمتی است که خداوند به ما داده است، ما باید این نعمت را حفظ کنیم ... اگر خدای نخواستہ این پیروزی که دنبال این انقلاب به دست آمده است، به واسطه سستی ما، بواسطه ضعف تبلیغ ما به شکست برسد، بدانید که اسلام تا قرن‌ها دیگر نمی‌تواند سر بلند کند.» (۱)

انقلاب اسلامی ایران بدون شک از جمله پدیده‌های مهم و سرنوشت‌ساز قرن بیستم به حساب می‌آید، پدیده‌ای که توجه محققان، اندیشه‌گران، سیاست‌گذاران و شمار زیادی را در داخل و خارج به خود معطوف داشته است. پیروزی انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی را باید ثمره مجاهدت و شهادت مردمی خداآگاه دانست که تحت رهبری امام خمینی علیه السلام برای رفع ظلم و تغییر سرنوشت خود بپا خاستند. حکومت اسلامی گوهر گرانبهایی بود که از پس آن شهادت‌ها و رشادتها به ملت ایران عطا شد و از این رو بحث از چگونگی پاسداشت آن و تأمین امنیت جامعه اسلامی از همان روز نخست دغدغه جان مردم و مسؤولان گشت. بنا به اهمیت و حساسیت مقوله امنیت ملی سایر سیاستهای نظام تازه تأسیس به گونه‌ای طراحی شد تا در نهایت به دفع عوامل امنیت‌زدا و انسجام هر چه بیشتر جامعه و حکومت اسلامی منجر شود. نتیجه آن شد که برخلاف گمان ناصواب معاندان که عمر جمهوری اسلامی را به خاطر وجود گرایشهای فکری متفاوت و نبود تجربه حکومتی مؤثر انقلابیون، کوتاه می‌دیدند، نظام اسلامی توانست دو دهه حضور فعال سیاسی را در نهایت ایمنی و سلامت بپازد. اکنون در سالهای آغازین دهه سوم از حیات انقلاب اسلامی، پرسش از چیستی و چگونگی تأمین امنیت در درون جامعه اسلامی همچنان جذاب و پاسخ به آن ضروری می‌نماید. البته به واسطه تغییر شرایط و

مقتضیات زمانی و مکانی، این سؤال در فضای فکری تازه‌ای مطرح شده و بدیهی است که پاسخ تازه‌ای را می‌طلبد که حکایت از شکل‌گیری صورتی تازه از امنیت در جمهوری اسلامی ایران دارد.

دومین مقوله مهمی که در این خصوص لازم است به آن توجه شود و نسبت آن با امنیت داخلی کشور مشخص گردد، مقوله رقابت سیاسی است؛ طرح این مفهوم و عطف توجه به آن قبل از هر چیز دیگری حکایت از وجود یک نظام سیاسی باثبات و دموکراتیک در ایران دارد و از این حیث شروع این موج فکری را باید به فال نیک گرفت. جوامع سنتی، جوامع دستخوش دگرگونی و یا در حال گذار، از آن جا که با مقولات حیاتی‌تری چون طراحی اصول اولیه حکومت درگیر هستند، علی‌القاعده به مسأله مهم رقابت سیاسی چندان توجهی ندارد. (۲) جمهوری اسلامی نیز از این حکم کلی مستثنی نیست، به گونه‌ای که در فضای انقلابی دهه پنجاه اساساً مجال طرح این موضوعات نبود اما با پای گرفتن جمهوری اسلامی، این موضوع در اذهان عمومی شکل می‌گیرد و با گذشت زمان - همزمان با استوار شدن مبانی حکومت - از شدت و موضوعیت بیشتری برخوردار می‌گردد و امروزه، چونان پرسشی جدی در برابر سیاستگذاران قرار دارد.

نوشتار حاضر، تحلیلی است از تاریخ بیست ساله انقلاب اسلامی که در آن به تبیین دو مقوله مهم امنیت داخلی و رقابت سیاسی پرداخته شده است. در فصل اول به مبانی نظری موضوع پرداخته شده و در سه فصل بعدی ادوار سه‌گانه تاریخ انقلاب - سه دوره تأسیس، استقرار و توسعه - به تفکیک از این منظر بازنگری گردیده است. از رهگذر تحلیل مبانی الگوهای سه‌گانه به اجرا آمده در ایران، این نتیجه مهم حاصل می‌آید که انقلاب اسلامی از این حیث، سیری تکاملی پیموده که در آن از انقباض سیاسی به بسط فضای رقابت برای تأمین امنیت، رسیده است. امید آن که این وجیزه مورد توجه و سنجش ناقدان ناصح قرار گیرد و زمینه‌ساز طراحی الگوهای کامل‌تری گردد.

فصل اول - ساختار نظری: الگوهای سه‌گانه "امنیت - رقابت"

تبیین نسبت امنیت و رقابت از جمله موضوعات مهمی است که با توجه به بینش سیاسی حاکم بر هر جامعه، باید صورت بگیرد. این واقعیت که هر کشور دارای تفسیری از امنیت می‌باشد که در قالب آن به تعریف، تحدید و ترسیم جایگاه رقابت سیاسی می‌پردازد، مورد تأیید تحلیل‌گران سیاسی و مطابق تجربه تاریخی کلیه واحدهای سیاسی

است. به تعبیر زیگیو برژینسکی امنیت را باید مفهومی گسترده به شمار آورد که سایر ملاحظات در درون آن معنا می‌شوند:

«معتقدم که امنیت ملی ملاحظات بیشتری را در بر می‌گیرد. از جمله زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری تکنولوژیک، حیات ایدئولوژیک و غیره.» (۳)

بنابراین اگرچه امنیت هم بر نحوه و میزان رقابت‌های سیاسی تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد، اما مهم آن است که در تعیین نسبت آن دو، نوع رابطه تأثیرگذاری لحاظ شود و معلوم گردد که متغیر وابسته و مستقل در این معادله کدام‌اند؟ برای پاسخ گفتن به این سؤال، نخست از الگوهای ایده‌آلی ناظر بر روابط "امنیت - رقابت" سخن خواهیم گفت و در ادامه، سازوکار تحول الگوهای امنیتی با توجه به شاخص "رقابت سیاسی" را در بستر گفتمان سیاسی حاکم، از نظر خواهیم گذراند.

الف - الگوهای ایده‌آلی "امنیت - رقابت"

در معادله امنیت و رقابت معمولاً از رقابت سیاسی به مثابه یک ارزش ثانوی یاد می‌شود که در مقایسه با امنیت در رتبه دوم قرار دارد. اساساً امنیت چه در معنای ایجابی اش - یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان (۴) - و چه در معنای سلبی اش - نبود ترس، اجبار و تهدید (۵) - از آن جا که به اصل وجود افراد، گروه‌ها و نظامها مربوط می‌شود، ارزشمندترین کالای هستی برای انسان به حساب می‌آید؛ ارزشی متعال که برای کسب آن، انسان حاضر به چشم‌پوشی از بخشی از حقوق و تواناییهای خود - همچون آزادی، قدرت، مالکیت و ... - شده و اقدام به تأسیس دولت و انتقال به دوره حیات مدنی کرده است. (۶) این واقعیت که دولت در پی تحدید قدرت اعضای جامعه، به وجود آمده است، مؤید اصلی مدعای ما و مسین اولویت امنیت در قیاس با رقابت سیاسی است. (۷)

اما رقابت سیاسی را باید ارزشی متعلق به انسان معاصر دانست که ریشه در تجربه تاریخی بشر دارد و از این حیث حتی با دیدگاهها و اندیشه‌های به اصطلاح دموکراتیک یونان و روم باستان نیز متفاوت است. (۸) آثار منفی ناشی از ظهور رژیمهای خودکامه و تمامیت‌خواه، پیچیده‌تر شدن حیات اجتماعی، بالا رفتن سطح آگاهی عمومی در پی پیدایش فنآوریهای تازه، گسترش شبکه‌های اطلاعاتی، ظهور گروههای واسط و ... در مجموع انسان را به این نتیجه رساند که اداره امور اجتماعی و سیاسی از عهده فرد یا

گروه خاصی بیرون است و برای این منظور باید عرصه را برای حضور کلیه صاحب نظران بازگذارد تا از طریق تضارب آرا و نقد آنها در جریان یک رقابت سالم، در نهایت سیاست صحیح شکل گیرد. این بیان ساده دارای ریشه‌های معرفتی ژرف و بدیعی می‌باشد که از سرچشمه‌های تکثرگرایی، نسبیّت، مشروعیت اکثریت و عدم وضوح پدیدارهای سیاسی سیراب می‌گردد. (۹) رقابت سیاسی در این معنا، جوهره اصلی توسعه سیاسی را شکل می‌دهد تا آن جا که عده‌ای آن را معادل توسعه سیاسی قلمداد کرده (۱۰)، آزادی در رقابت را به مثابه اصل اولیه در تمییز جوامع دموکراتیک از سایر جوامع معرفی (۱۱) و تکوین ماهیت دولت مدرن را براساس این اصل تفسیر کرده‌اند. (۱۲) جالب توجه آن که نگرش فوق نه تنها در گفتمان سکولار از سیاست، بلکه در متن گفتمان دینی نیز پذیرفته شده و ما شاهد باز تفسیر حکومت اسلامی از نظرگاه رقابت سیاسی می‌باشیم. (۱۳)

تقلیل توسعه سیاسی به رقابت سیاسی، چنان‌که جین بلاندل نیز اظهار داشته، نگرشی تحمیلی و یکسویه می‌باشد که با مبانی و اصول علمی همخوانی ندارد. (۱۴) از این رو آن چه از موارد فوق استنتاج می‌شود این است که، رقابت سیاسی در حیات اجتماعی جوامع معاصر اصلی مهم می‌باشد که اگر چه انکار آن ممکن نیست ولی در قیاس با امنیت از تأخر ارزشی و تاریخی برخوردار است. به همین دلیل در نوشتار حاضر امنیت متغیری مستقل و رقابت به مثابه متغیر وابسته تعریف شده‌اند که به سه صورت با یکدیگر در ارتباط هستند: مستقیم، معکوس و یکسویه.

ب - انقلابهای اجتماعی و تحول الگوها

«جامعه ما در طول چندین دهه، دچار تغییراتی می‌شود و طرز نگرش خود به جهان، ارزشهای اساسی، ساختار اجتماعی و سیاسی و نیز نهادهای اصلی‌اش را بازنگری کرده و آنها را از نو سامان می‌دهد و بدین ترتیب پنجاه سال بعد، دنیایی جدید به وجود می‌آید که مردمی که در آن زمان دیده به جهان می‌گشایند، نمی‌توانند جهانی را که اجدادشان در آن زندگی کرده و والدینشان در آن متولد شده‌اند [را] به خوبی تصور کنند.» (۱۸)

اگر چه بیان پیتزاف، در اگر قدری مبالغه آمیز می‌نماید ولیکن در ترسیم فرایند تغییر و تحولی که دامن‌گیر جوامع می‌باشد به خوبی عمل کرده است. چنین به نظر می‌رسد که شرایط و مقتضیات مختلف زمانی و مکانی آن اندازه مؤثر هستند که ملل و دول مختلف را به بازنگری در سیاستهای کلان خود و از آن جمله نوع الگوی حاکم بر رابطه امنیت -

رقابت وادارند. از این منظر کشورهایی که تجربه تحولات انقلابی دارند، برای نیل به امنیت داخلی خود ممکن است یکی از سیاستهای سه گانه زیر را برگزینند:

نمودار شماره (۱)

نسبت "امنیت - رقابت" در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی ایران

رابطه	معکوس	یکسویه	مستقیم
تصویر			
نتیجه	افزایش رقابت سیاسی به مثابه عاملی ضدامنیتی و کاهش دهنده ضریب امنیتی به حساب می آید. (۱۵)	حد معینی از رقابت سیاسی برای امنیت داخلی ضروری است و کاهش و افزایش آن برای امنیت تهدیدآمیز است. (۱۶)	افزایش رقابت سیاسی به مثابه عاملی امنیتی و افزایش دهنده ضریب امنیتی به حساب می آید. (۱۷)
اصول عملی	۱- محدود کردن تأسیس گروههای تازه ۲- حذف گروههای مزاحم ۳- ایجاد وحدت میان گروههای موجود	۱- محدود کردن تأسیس گروههای تازه ۲- ایجاد وحدت میان گروههای موجود	۱- فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیت گسترده حزبی ۲- حمایت از گروههای موجود ۳- کمک به تأسیس گروههای تازه
نوع گفتمان	قبض محور	حفظ محور	بسط محور
الگو	تحدید	تثبیت	تکثیر

* PC = Political Competition (رقابت سیاسی)

* IS = Internal Security (امنیت داخلی)

اول - سیاست انفعالی: بدین معنا که دولت در مقام سیاستگذاری تابع شرایط حاکم بر فضای سیاسی کشور شده، امنیت داخلی را با توجه به این خواستها تعریف نماید. این سیاست از آن جا که الگویی کاذب از سازواری خواستهای سیاسی و ملاحظات امنیتی در کشور پدید می‌آورد، به زودی دچار بحران شده و فرو می‌ریزد.

دوم - سیاست تحمیلی: در این روش دولت بدون توجه به فضای حاکم بر حوزه فعالیت‌های سیاسی در کشور، به طراحی یک الگوی امنیتی دست می‌یازد و از سایر گروهها می‌طلبد تا در این چارچوب به فعالیت پردازند. این روش اگرچه در کوتاه مدت جواب می‌دهد ولی در پیش‌گرفتن آن برای بلندمدت به هیچ وجه نتیجه‌بخش نبوده و در نهایت واکنش خشونت‌بار افراد و گروهها در برابر الگوی حاکم را در پی می‌آورد.

سوم - سیاست همدلانه: در این روش، دولت اقدام به طراحی یک راهبرد کلان می‌نماید که در آن رقابت‌های سیاسی مطابق یک برنامه دقیق و از پیش طراحی شده، سه مرحله: تحدید، تثبیت و تکثر را طی کند. در مرحله اول، هدف، ممانعت از ظهور گروهها، احزاب و دسته‌هایی است که با مغتنم شمردن فرصت، سعی در قبضه قدرت و به اصطلاح چیدن ثمره انقلاب دارند. در مرحله دوم، احزاب و گروههای انقلابی و مورد تأیید، اجازه می‌یابند تا با گستردن حضور خود، جایگاه و شأن واقعی خود را دریابند. در نهایت با تقویت حزبی و گروهی و ایجاد آگاهی سیاسی لازم در توده‌ها و مسئولان، امکان گشودن عرصه فعالیت سیاسی و گروههای مختلف فراهم می‌آید. در زمینه سیاست سوم، نکات زیر شایسته توجه می‌نمایند:

۱- این سیاست مطابق با منطق حاکم بر کلیه انقلابهاست که معمولاً در سه مرحله اساسی تخریب، تثبیت و تأسیس رخ می‌نماید. بر این اساس مقتضای منطق انقلاب آن است که در مرحله تثبیت سیاست‌های انقباضی حاکم شود و پس از یک دوران گذار، جامعه وارد مرحله گستردن فعالیت‌های سیاسی گردد. (۱۹) دو سیاست انفعالی و تحمیلی از آن حیث که یکسویه بوده و ناظر بر مرحله‌ای خاص از حیات اجتماعی انقلابها هستند، ناقص به شمار رفته و نتیجه عملی مثبتی در بلندمدت به بار نخواهند آورد.

۲- در مقام طراحی الگوی ویژه "رقابت - امنیت"، سیاست همدلانه از آن حیث که در مواجهه با اصل رقابت سیاسی دچار افراط و تفریط نمی‌گردد، نسبت به دو سیاست دیگر ممتاز می‌نماید. از این دیدگاه بر رقابت سیاسی نه آن قدر تأکید می‌گردد که امنیت داخلی را تحت شعاع قرار دهد و نه به بهانه تأمین امنیت و وجود شرایط ویژه به مگاک فراموشی سپرده می‌شود. (۲۰)

۳- دو سیاست اولیه از آن حیث که ناظر بر شرایط اجتماعی-سیاسی خاصی هستند، گسترته می‌نمایند، حال آن‌که، سیاست همدلانه، الگویی پیوسته از "رقابت-امنیت" عرضه می‌دارد که در آن روند رو به رشد و یا به تعبیر دیگر مفهوم "توسعه سیاسی" معناکردنی است. مطابق این دیدگاه، توسعه سیاسی عبارتست از حاکم ساختن رابطه مستقیم بین امنیت و رقابت به جای رابطه غیرمستقیم. این توسعه در دو سطح می‌تواند نمودار شود:

اول) گذار از رابطه غیرمستقیم به ایستا

دوم) گذار از رابطه ایستا به مستقیم

نتیجه آن که انقلابها با توجه به شاخص رقابتهای سیاسی و در درون سیاست همدلانه، سه مرحله فوق را باید پشت سر بگذارند تا از این طریق بتوانند به حیات خود استمرار بخشند.

ج- انقلاب اسلامی و الگوهای امنیتی

انقلاب اسلامی به مثابه یک تحول اجتماعی بنیادین و گسترده، از حکم کلی "تحول الگوهای" امنیتی مستثنی نیست و به همین خاطر وجود ترتیبات امنیتی مختلف طی دو دهه گذشته، نه نقصان بل پدیده‌ای کاملاً طبیعی ارزیابی می‌شود که چنان‌که با یک منطق و استدلال نظری و عملی استوار نیز همراه باشد، می‌توان آن را شاخص تکامل انقلاب و نیل به سطوح عالی تری از امنیت به حساب آورد. تاریخ دو دهه انقلاب اسلامی را به شرح زیر می‌توان در سه مرحله کلان بررسی کرد. مبنای این تقسیم، راهبردهای مختلفی است که در هر یک از این سه مرحله به اجرا گذارده شده‌اند:

- مرحله اول از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی
 - مرحله دوم، دوره ریاست جمهوری حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی
 - مرحله سوم، دوره ریاست جمهوری حجت‌الاسلام محمد خاتمی
- سه راهبرد تحدید، تثبیت و تکثیر راهبردهای کلان مراحل سه‌گانه فوق را تشکیل می‌دهند که در طراحی و اجرای آنها ملاحظات امنیتی مهم‌ترین نقش را دارا بوده‌اند. سه فصل آتی به بررسی تفصیلی الگوهای "امنیت-رقابت" در ادوار سه‌گانه مذکور اختصاص دارد.

فصل دوم: الگوی امنیتی حضرت امام علیه السلام

با پیروزی انقلاب اسلامی، کشور در شرایط ویژه‌ای قرار گرفت که اقتضای آن مطابق منطق حاکم بر کلیه انقلابها، انقباض عرصه فعالیت‌های سیاسی در نیل به انسجام سیاسی

برای تثبیت مبانی انقلاب بود. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در تحلیل شرایط این مرحله چنین می‌گوید:

«... هر چه زودتر برسیم به دوره‌ای که وضع کشور از نظر ارگانها تثبیت شود ... انتقادات موجب اختلاف می‌شود، مردم اعتمادشان را از دست می‌دهند ... کشور ما شرایط خاصی دارد.» (۲۱)

از این رو برای درک الگوی امنیتی امام علیه السلام لازم است از شرایط ویژه آن دوره، آگاهی حاصل کنیم و سپس به تحلیل سیره علمی و عملی ایشان در چارچوب مقتضیات زمانی و مکانی بپردازیم.

الف - کانونهای ضدامنیتی در مرحله اول انقلاب

اگر چه فروپاشی نظام سابق و عدم شکل‌گیری نهادهای تازه، همراه با بروز جنگ تحمیلی شرایط نامساعدی را به وجود آورده بود که فعالیت عوامل ضدامنیتی را آسان می‌نمود، با این حال از این میان عوامل زیر از همه تأثیرگذارتر بوده‌اند:

- ۱ - ظهور گروهها، احزاب و دسته‌های فرصت‌طلب و ضدانقلابی. (۲۲)
 - ۲ - ظهور گروهها، احزاب و دسته‌های انقلابی رادیکال که از رهبری نیز سبقت گرفته و ادعاهای کلانی چون انترناسیونالیسم اسلامی را طرح می‌کردند. این مدعاها در برانگیختن فضای منطقه‌ای و بین‌المللی و بسیج آنها بر ضد ایران کاملاً مؤثر بود. (۲۳)
 - ۳ - تأسیس ستادهای مرکزی شوراهای خلق ترکمن، گُرد و ... که با تمسک به احساسات فرقه‌ای و قومی سعی بر افروختن شعله ستیزه‌های قومی را داشتند؛ حوادث خونینی از قبیل ۲۷ اسفند ۱۳۵۷ در سنندج و یا درگیریهای ترکمن صحرا از نمونه‌های بارز این حرکت‌های ضدامنیتی می‌باشد. (۲۴)
 - ۴ - کم‌تجربگی مسئولان در اوایل پیروزی انقلاب و بروز اختلافهای شدید میان گروههای انقلابی که زمینه را برای سوء استفاده ضدانقلاب فراهم می‌کرد. مثلاً اختلاف بین احمد مفتی‌زاده با صفدری در سنندج یکی از عوامل مؤثر در وقوع فاجعه سنندج بود که مؤید مدعای ما است. (۲۵)
 - ۵ - خروج میزان قابل توجهی اسلحه از انبارها و ورود آنها به درون جامعه که با توجه به برانگیخته شدن روحیه مبارزه در میان جوانان، می‌توانست در جریان رقابتهای سیاسی ساده نیز فعال شده به کشتار و خونریزی منجر شود.
- مجموع عوامل فوق، فضای داخلی ایران را در وضعیت ویژه‌ای قرار داده بود که

بسیار حساس می‌نمود. برگرفتن هرگونه سیاستی از سوی شخص امام علیه السلام - در جایگاه رهبر انقلاب ایران - تأثیرات امنیتی مهمی را برای ایران به دنبال می‌داشت که می‌توانست یکی از دوگزینه زیر باشد:

- ۱ - حفظ انقلاب و گذار نهضت از دوره ناامنی به دوره استقرار
 - ۲ - زوال انقلاب به واسطه بروز اختلاف و درگیری در درون؛
- تاریخ انقلاب اسلامی حکایت از تصمیم‌گیری هوشمندانه امام علیه السلام و توفیق ایشان در حفظ انقلاب به واسطه اجرای الگوی "تحدید" دارد.

ب - راهبرد امنیتی امام علیه السلام

امام علیه السلام اگر چه از حیث نظری قایل به اصل مشارکت، آزادی عقیده، حق فعالیت سیاسی و انتقاد بودند (۲۶) ولیکن در شرایط ویژه دوره اول انقلاب اسلامی، الگوی "تحدید" را به اجرا گذاردند. مطابق این الگو برای پاسداری از امنیت جامعه باید رقابتهای سیاسی محدود شود تا انقلاب بتواند مبانی خود را استوار ساخته و در عرصه داخلی و خارجی مطرح گردد. ایجاد وحدت و انسجام از طریق "تحدید" روشی است که پیشینه‌ای تاریخی دارد و به گفته دنس کاواناک آمریکا، انگلستان، ایتالیا و بسیاری از کشورهای توسعه یافته امروزی در گامهای نخست توسعه مجبور به صیانت از هویت و یکپارچگی ملی با تحدید حوزه اظهار سلیقه‌ها بوده‌اند:

«رهبران سیاسی برخی کشورها گمان می‌برند جلوگیری از بروز اختلاف سلیقه، روشی ضروری در حیات سیاسی یک ملت است. آنها با این دیدگاه، رشد خرده‌فرهنگهای مذهبی و قومی را تهدیدی عمده نسبت به یکپارچگی و هویت ملی قلمداد می‌کنند.» (۲۷)

در مجموع ارزیابی امام علیه السلام از شرایط وقت آن بود که:

- ۱ - برای حفظ هستی انقلاب اسلامی و پاسداشت آن از گزند حرکت‌های فرصت طلبانه
- ۲ - استوارسازی مبانی ارزشی انقلاب و شکل‌دهی به حکومت اسلامی در ایران
- ۳ - فراهم آمدن بستر مناسب برای تحقق آرمانهای عالی اسلام و انقلاب در زمینه توسعه سیاسی؛

لازم است تا حوزه فعالیت و رقابتهای سیاسی به نفع وحدت ملی محدود گردد. راهبردی پیش‌گفته، آشکارا در قضیه اختلاف دولت موقت با جریان انقلابی قابل مشاهده است، آن جاکه در نهایت مرحوم بازرگان استعفا کرده و در متن استعفانامه خود چنین می‌نویسد: (۲۸)

«حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام روح الله الموسوی الخمینی دامه برکاته ... [از آن جا که] در شرایط تاریخی حاضر نجات مملکت و به ثمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی باشد، بدین وسیله استعغای خود را تقدیم می دارد تا به نحوی که مقتضی می داند کلیه امور را در فرمان رهبری بگیرند یا داوطلبانی را که با آنها هماهنگی وجود داشته باشد مأمور تشکیل دولت فرمایند ...»^۱

بدین ترتیب امام علیه السلام در این دوره بیش از هر مطلب دیگری در پی وحدت و به در کردن گروههایی از صحنه بودند که به نحوی موجودیت و هستی انقلاب را تهدید می کردند. مقابله با گروههایی چون توده ایها و مجاهدین همه بر پایه این اصل صورت می گیرد و برخلاف تحلیل پاره ای از غربیان به هیچ وجه به قدرت طلبی و انحصار قدرت در کانون خاصی دلالت ندارد؛ (۲۹) چرا که تئوری قدرت در اسلام و نزد امام علیه السلام اساساً با انحصارگرایی همخوان نیست و سیره عملی امام علیه السلام در دوره استقرار، دلالت تمام بر این موضوع دارد.

ج - ارکان سیاست اجرایی امام علیه السلام

الگوی تحدید امام علیه السلام بر چهار رکن اجرایی استوار بود که هدف نهایی از آنها، محدود ساختن میزان رقابتهای سیاسی برای افزایش ضریب امنیتی در داخل کشور بوده است:

۱ - تأسیس شورای انقلاب: وحدت در سیاستگذاری

امام علیه السلام برای تثبیت موقعیت جنبش انقلابی مردم ایران در مقابل شاه، ضمن تأکید بر عامل حضور مردمی به شکل تظاهرات، اقدام به تأسیس بدیلی برای نظام حکومتی شاهنشاهی کردند که همان شورای انقلاب بود. (۳۰)

نکته قابل توجه آن که امام علیه السلام برای این منظور حتی به دولت موقت نظر نداشتند و از این رو مشاهده می شود که شورا از این حیث بر دولت موقت برتری دارد و برخلاف انتظار مرحوم بازرگان در امور اجرایی نیز دخالت می نماید. مطلب فوق دلالت بر این نکته مهم دارد که شورای انقلاب برای این منظور تشکیل شد که ایفاگر نقش یک دولت تمام عیار انقلابی باشد و در این میان دولت موقت صرفاً نقشی "انتقالی" به عهده داشت.

بدین صورت که توقع از دولت بازرگان آن بود که بستر لازم برای برگزاری انتخابات و تأسیس نهادهای مربوطه را فراهم آورد و نه این که نقش یک دولت مستقل را بازی کند! نتیجه آن که شورای انقلاب به مثابه نهاد مقتدری در آمد که امر وحدت رویه در سطح کلان را عهده دارد بود و بدین خاطر مشاهده می شود در تقابل دولت موقت با این شورا، امام علیه السلام جانب شورا را گرفته و در نهایت بازرگان استعفاء می دهد.

۲- تأسیس حزب جمهوری اسلامی: وحدت در عمل سیاسی

«حزب جمهوری اسلامی ... باید در پاسداری خود از هویت اصیل اسلامی انقلاب ملت ایران، همچنان پراستقامت بوده ... و در این راه از عکس‌العملهای افراد و گروهها نهراسند.» (امام خمینی علیه السلام) (۳۱)

امام علیه السلام اگر چه در آغاز با تأسیس حزب واحدی به نام جمهوری اسلامی مخالف بودند ولی با توجه به حضور گروهها و احزابی که در مقام قبضه قدرت و به کزراهه بردن روند انقلاب بودند، همانند چریکهای فدایی خلق و مجاهدین خلق، با بنای حزب جمهوری به مثابه جبهه سیاسی واحدی در مقابل کلیه احزاب و گروههای مخالف، موافقت کردند و این حزب در ۳۰ بهمن ۱۳۵۷ رسماً اعلام موجودیت کرد. (۳۲) در اساسنامه حزب صراحتاً آمد بود:

«این حزب، متولی هدایت و سازماندهی نیروهای با ایمان و فعال کلیه قشرهای اجتماعی است که در انقلاب اسلامی ایران شرکت دارند و همچنین بسیج نیروهایی که هنوز در این انقلاب عظیم نقش مؤثری بر عهده نگرفته‌اند.» (۳۳)

سیاست فوق‌تر مقام عمل به شدت دنبال می شود و نگرش کلان حزب با توجه به عضویت مردان بزرگ انقلاب در آن، همچون آیات و حجج اسلام بهشتی، خامنه‌ای، رفسنجانی، اردبیلی و باهنر، به زودی دیدگاههای رقیب را به کناری زده و حاکمیت می یابد. امام علیه السلام در همین باره و در مقام یک رهنمود کلی اظهار می دارند:

«کمونیستها هم باید جمهوری اسلامی را بخواهند. اگر بخواهند برای این ملت کار بکنند و راست بگویند. همه باید جمهوری اسلامی را بخواهند.» (۳۴)

شهید آیت الله بهشتی نیز در مقام تعیین شاخص عمل سیاسی اظهار می دارد که: (۳۵)

«کسانی در جمهوری اسلامی مسؤولیتهای خرد و کلان را قبول بکنند که با این نظارت [حزب] مزاجشان سازگار باشد. آنهایی که این نظارت را نمی‌توانند تحمل بکنند لطفاً

جایشان را به کسانی بدهند که از این نظارت صمیمانه استقبال می‌کنند.»^۱

شهید بهشتی بار دیگر بر این نکته در سخنرانی «حزب جمهوری اسلامی در گذشته، حال و آینده» تأکید کرده و به وضوح بر ضرورت یکدست شدن کلیه مدیرتها از سطوح پایین تا بالا در کشور اشاره می‌نماید. (۳۶) نتیجه آن که حزب جمهوری برای ایجاد وحدت در حوزه عمل سیاسی به منزلهٔ مکمل شورای انقلاب تأسیس می‌شود و پس از مدتی با به انجام رساندن رسالت اولیه‌اش به خاطر جلوگیری از آسیبهای احتمالی، با امر امام علیه السلام به کارش پایان می‌بخشد. (۳۷)

۳- تأسیس سپاه پاسداران: بازوی نظامی ایجاد وحدت رویه

اگر چه مردم با حضور گسترده خود در راهپیماییها و همه‌پرسی و فراندن جمهوری اسلامی، دولتمردان انقلابی با موضع‌گیری صریح بر ضد آرمانهای غیراسلامی، و رهبری با تأسیس شورای انقلاب، از خواست خودمبنی بر ضرورت تأسیس حکومت اسلامی ونفی گروههای رقیب پرده برداشتند ولیکن احزاب مخالف به جای عقب نشینی، عزم راجزم کرده، در پی تحمیل عقیده خود بر اکثریت مردم برآمدند. در این مرحله بود که امام علیه السلام فرمان تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به مثابهٔ بازوی نظامی تحقق آرمان وحدت در کشور، صادر کردند. آیت الله لاهوتی پس از انتصاب، به سرعت به این کار مهم اقدام کرد و در اولین سخنرانی‌اش اظهار داشت که: سپاه رسالت حفظ انقلاب از شر ضدانقلابیون و عوامل مخرب را دارا است. تجلی این رسالت در مقابله سپاه با ناآرامیهای تبریز (۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸)، حزب خلق عرب و برخورد با مجاهدین خلق می‌باشد که در بیرون راندن گروههای معارض و تحقق آرمان امام علیه السلام نقش بسزایی داشت. (۳۸)

۴- تأسیس حکومت اسلامی: وحدت در مقام نهادسازی

از اظهارات اولیه امام علیه السلام چنین برمی‌آید که ایشان با این مسأله که روحانیون مسؤولیتهای کلانی همچون ریاست جمهوری را برعهده گیرند، مخالف بوده‌اند و حتی برای شخص خویش مقام نظارتی مستقر در قم را در نظر داشتند. اما حوادث بعدی و سوء استفاده گروههای معاند و منافق - چون بنی صدر و هواداران او - امام علیه السلام را به آن جا رهنمون شد که وحدت مورد نظر را در سطح کلان نهادهای دولتی نیز حاکم سازند. از

این زمان است که نیروهای پیرو حضرت امام علیه السلام در مناصب مهمی چون ریاست جمهوری، ریاست مجلس و نمایندگی مردم قرار می‌گیرند و ما شاهد تشکیل ائتلافی از این نیروها در صحنه سیاست در مقابل سایر گروه‌هایی می‌باشیم که قصد داشتند از این مجاری برای نفوذ و اعمال سلطه خود بهره‌جویند. پیروزی ائتلاف بزرگ نیروهای پیرو امام علیه السلام در انتخابات ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ و انتخابات آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست مجلس، نمود بارز این سیاست است که در آن زمان تأثیرات بسزایی را به دنبال داشت.

د - آسیب‌شناسی الگوی "تحدید"

مهمترین آسیبی که بر این الگو متصور است، استمرار و تبدیل شدن آن به یک دیکتاتوری است که از همان ابتدا پیوسته بر آن تأکید گردیده و بعضاً سعی در بزرگ‌نمایی آن شده است. مرحوم بازرگان که به شدت بر این الگو انتقاد داشت، با نظر به حزب جمهوری آن را محل تجمع عده‌ای می‌خواند که در پی اعمال سلطه بی‌منزاع به کشور هستند. (۳۹) او که خود را طرفدار دموکراسی و عمل تدریجی می‌خواند (۴۰) بدیهی بود که نمی‌توانست سیاست‌های وحدت‌بخش انقلابیون را درک کند و به همین خاطر تلقی یک دیکتاتوری را از آن داشت. (۴۱) به طور کلی رویکرد مخالفان امام علیه السلام بدون توجه به شرایط حساس مملکت و حق مشروع مردم برای پاسداری از دستاورد انقلاب خونین‌شان، در مقام تضعیف الگوی تک‌خطی امام علیه السلام برآمده، در محترمانه‌ترین تعابیر چنین اظهار می‌داشتند که:

«همیشه دیکتاتوری از سوءنیت رهبران ناشی نمی‌شود بلکه بسیار اتفاق افتاده که عده‌ای در کمال حسن‌نیت زمینه‌های رشد استبداد را فراهم می‌کنند و به تدریج مبانی فکری و نهادی جامعه ... را بعد از انقلاب دوباره با شکل جدید و محتوای گذشته به وجود می‌آورند.» (۴۲)

گذشته از طیف وسیع انتقادات وارده (۴۳) حضرت امام علیه السلام در مقام عمل نشان دادند که چگونه در این زمینه نیز موفق عمل کردند. تصمیم هوشمندانه امام علیه السلام مبنی بر تعطیلی فعالیت حزب جمهوری که از نظر بسیاری توجیه‌ناپذیر می‌نمود، حکایت از راهبرد کلان امام علیه السلام دارد و این که امام علیه السلام با نیل به هدف تثبیت مبانی حکومت اسلامی و استوار ساختن شالوده‌های اصلی انقلاب، جهت احتراز از پیدایش یک نظام تک‌حزبی از درون حزب جمهوری و حاکمیت بی‌منزاعش بر کشور، دستور بر تعطیلی فعالیت حزب را صادر کردند و در مقابل، راه را برای حضور گروه‌های مختلف - با تأیید همه آنها و تأکید بر

ضرورت فعالیت آنها در درون چارچوب واحد - فراهم ساختند. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در تحلیل این مهم چنین می‌گوید:

«اول انقلاب، حزب بزرگی مثل حزب جمهوری اسلامی تشکیل شد که من هم در آن حزب مؤثر بودم، حزب هم در نهایت به این نتیجه رسید که فعالیت‌هایش را ادامه ندهد. شاید دلیل این که احزاب در ایران رشد نمی‌کنند این است که در ایران قدرتی وجود دارد که رشد احزاب را تحت تأثیر قرار می‌دهد، احزاب می‌بینند که نیرومندتر از حزب در ایران وجود دارد، ...» (۴۴)

به عبارت ساده، تصمیم بر فعالیت نکردن حزب بهترین گزینه جهت جلوگیری از ظهور نیرویی متمرکز و واحد در کشور بود که می‌توانست با توجه به امکاناتی که در اختیار داشت، عرصه را بر ظهور سایر گروه‌های خودی سد کند.

نتیجه آن که، در دوره اول از حیات انقلاب اسلامی، حضرت امام علیه السلام به خاطر وجود رابطه معکوس بین امنیت داخلی و رقابت سیاسی، الگوی تحدید را برگرفته و با اعمال سیاست‌های وحدت‌بخش در چهار سطح "سیاست‌گذاری، سیاست عملی، نظامی و حکومتی" توانستند کشور را از مرحله نخست عبور دهند و با استوار کردن بنیانهای حکومت اسلامی، آن را مستقر سازند.

فصل سوم: الگوی امنیتی دولت آقای هاشمی رفسنجانی

از جمله آثار مثبت حدود یک دهه تلاش پی‌گیر در قالب الگوی تحدید، استقرار کامل نظام جمهوری اسلامی و خروج از دوره بحران دهه اول انقلاب می‌باشد. در نتیجه سیاست‌های اصلاحی و کنترلی امام علیه السلام، رابطه معکوس امنیت و رقابت در کشور متوقف گردید و زمینه مناسب برای ورود به دوره‌ای تازه مهیا گشت. انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری، اصلاح قانون اساسی و تأیید سیاست‌های دولت توسط امام علیه السلام و متعاقب آن پشتیبانی رهبر انقلاب، بیانگر اجماع عمومی در سطح حکومتی و مردمی برای اجرای برنامه‌هایی بود که آقای هاشمی با عنوان سازندگی از آن یاد می‌کرد.

الف - باز تعریف اقتصادی مقوله امنیت

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ این امکان را به دولت داد تا با رهایی یافتن از شرایط "اضطراری جنگ تحمیلی" به بررسی و ارزیابی تواناییهای خود پردازد. کاهش شدید سهم هزینه‌های سرمایه‌ای از تولید ناخالص ملی از (تقریباً) ۱۷ درصد در سال ۱۳۵۶ به

۳ درصد در سال ۱۳۶۷، خسارت مالی و ملی و جانی جنگ، افت درآمدهای نفتی، فقدان سرمایه‌گذارهای معتبر خارجی، افزایش زیاد کسری بودجه دولت، تورم و رشد سریع جمعیت (۴۶) و ... از جمله شاخصهایی بودند که دولت را سریعاً به ضعف و ناتوانی بنیان اقتصادی کشور برای پاسخ‌گویی به حداقل نیازهای مردمی آگاه ساخت. آقای هاشمی رفسنجانی با اشاره به همین عوامل است که از وخامت اوضاع اقتصادی و قرار گرفتن وضعیت اقتصاد ایران در زیر خط قرمز را چونان مهمترین عاملی که امنیت کشور را در مخاطره انداخته یاد کرده، (۴۷) در مقام تحلیل اظهار می‌دارد: (۴۸)

«من فکر می‌کنم یکی از کارهای لازم این است که بعد از مشکلات ایجاد شده از جنگ ما باید به زندگی مردم بپردازیم و اقدام به رونق اقتصادی کشور بکنیم.»^۱ در پی آن، اندیشه مزبور، بزرگترین بخش برنامه دولت آقای هاشمی گشته و در رأس برنامه‌ها قرار می‌گیرد:

«[ما] در شرایطی قرار داریم که علاوه بر تقویت بنیه دفاعی، بازسازی فرهنگی، اقتصادی [و] اجتماعی کشور اجتناب‌ناپذیر است ... زیرا در غیر این صورت سهم هنگفتی از منابع کمیاب اقتصادی کشور را ... بی‌هیچ نتیجه سودمندی به نابودی خواهیم سپرد.» (۴۹)

ب - تثبیت میزان رقابتها در حوزه سیاست

از آن جا که بازسازی اقتصادی مقدمه‌ای برای رسیدن به اهداف عالی انقلاب و از آن جمله عدالت اجتماعی به شمار رفته و در دستور کار دولت قرار می‌گیرد، لازم می‌آید تا تولید، خصوصی‌سازی، سرمایه‌گذاری خارجی، بازگشت نیروهای متخصص و صاحبان سرمایه ایرانی در خارج از کشور و مشارکت ملی به هر نحو ممکن بهبود وضعیت یافته و اقتصاد کشور متحول شود. در این زمینه رسالت اصلی دولت فراهم‌سازی بستر مناسب برای بروز چنین تحولی بود که به طور مشخص، شامل: تثبیت وضعیت کشور و تضمین امنیت جانی و مالی کلیه مشارکت‌کنندگان در این زمینه می‌شد. آقای هاشمی رفسنجانی ضمن تأکید بر این که دولت جمهوری اسلامی چنین ضمانتی را می‌دهد، با اشاره بر افزایش ضریب امنیتی سرمایه‌ها، می‌گوید: (۵۰)

«دولت تمامی ابزار تضمین را در اختیار دارد و ما امکانات انتظامی، قوه قضاییه و برنامه‌های سیاسی را پشتوانه این تضمین اعلام می‌کنیم. سرمایه‌گذاران امنیت دارند و هر چه از جنگ فاصله بگیریم این امنیت تقویت خواهد شد.»^۲

با عنایت به همین برنامه است که شاهد تلاش دولت برای ثابت نگاه داشتن سطح گروه‌بندیها و جناحها در کشور، نزدیک کردن هر چه بیشتر آنها به یکدیگر - حتی به قیمت انزوای مقطعی یک گروه برای مصالح عالیه مملکت - محدودیت تعداد نشریات و جرایدی که دیدگاههای انتقادی و یا مخالف دارند، خوابانیدن جریانه‌های فکری اصلاح طلب و یا نواندیش در حوزه فکری و ... می‌باشیم. نتیجه خط مشی تثبیت‌گرا در حوزه سیاست، ایجاد یک ثبات نسبی در کشور بود که در کنار جذب سرمایه‌های خارجی، رشد و بهبود وضعیت اقتصادی را به دنبال داشت. به بیان دیگر، راهبرد دولت طی هشت سال دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی دلالت بر تقدم توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی دارد (۵۱) که ما از آن به الگوی تثبیت‌گرا یاد کرده‌ایم. همچنین بررسی وضعیت شاخصهای عمده توسعه سیاسی در کشور مبین واقعیت تحلیل فوق می‌باشد، از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱- قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی - صنفی و اسلامی (مصوبه ۱۳۶۰) که تا ۱۳۶۸ مسکوت مانده بود در دولت آقای هاشمی نیز چندان فعال نمی‌شود و به گونه‌ای که تعداد مجوزهای صادر شده از کمیسیون ماده احزاب وزارت کشور به ۳۹ مورد می‌رسد حال آن که در ۱۴ ماه اول دولت آقای خاتمی این عدد به ۲۵ مورد بالغ می‌گردد. (۵۲)

۲- قانون شوراهای شهر و روستا با همه تلاشهای به عمل آمده، به اجرا گذارده نمی‌شود و در اوایل دولت تازه، جامه عمل می‌پوشد.

۳- نشریات و کتب (به‌ویژه با رویکرد انتقادی) در این دوره چندان مجال عرضه نمی‌یابند و در عوض در ابتدای دولت خاتمی فعالیت‌شان زیاد می‌شود و ... موارد دیگری که در مجموع به نشاط سیاسی فضای جامعه بر می‌گردد که همگی با تغییر الگو، روند تازه‌ای را می‌آزمایند. (۵۳)

ج - آسیب‌شناسی

برنامه اقتصادی دولت آقای هاشمی را گذشته از پاره‌ای از ایرادات و انتقاداتی که به آن وارد شده، باید در حد خود موفق ارزیابی کرد. رشد میزان تولید ناخالص ملی و دستیابی به سطح رشدی بالغ بر ۴/۵ درصد در مقایسه با رقم ۵/۹ درصد، ویژه کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۵، روند مثبت میزان ارزش افزوده بخشهای مختلف، مهار نسبی تورم، بهبود شاخصهای توزیع درآمد و افزایش درصد بهره‌مندی

خانوارها از خدمات رفاهی (۵۴) از جمله شاخصهایی هستند که دلالت بر این توفیق دارند. اما این کامیابی، آثار سیاسی متفاوتی داشت که سابق بر آن در سایر کشورهای در حال توسعه نیز نمایان گشته بود. مطابق تجربه تاریخی کشورهای در حال توسعه، بهبود وضعیت مادی (توسعه اقتصادی) در ارتباط نزدیک با توسعه سیاسی می باشد. به این معنی که همزمان با بهداشتگی وضعیت معیشتی، نیازهای تازه‌ای در سطح جامعه به وجود می آید که پاسخ به آنها به جز از طریق توسعه سیاسی ممکن و میسر نیست. (۵۵)

از حیث نظری موضوع فوق از پیشینه تاریخی زیادی برخوردار است و در زمینه ایران، اثر تألیفی آقای محمدعلی همایون کاتوزیان از جمله آثاری می باشد که باب این گونه، تحلیلها را گشوده است. کاتوزیان با اشاره به شکاف ایجاد شده بین دو حوزه سیاست و اقتصاد به این نتیجه می رسد که تغییرات اجتماعی در ایران ناشی از تعمیق این شکاف می باشد. (۵۶) بر این اساس سیاستهای نوسازی اقتصادی دولت آقای هاشمی رفسنجانی از آن حیث که مبانی اقتصادی کشور را تقویت کرد، در افزایش ضریب امنیتی کشور بسیار کارساز بود. با این حال همزمان با این پدیده، شاهد بروز شکاف طبیعی ناشی از رشد اقتصادی و تثبیت توسعه سیاسی می باشیم که زمینه ساز تحول دوم خرداد ۷۶ گردید. (۵۷) به عبارت دیگر، همان گونه که با استقرار نظام جمهوری اسلامی و پایان جنگ تحمیلی، شرایط مناسب برای انتقال از الگوی "تحدید" به الگوی "تثبیت" فراهم آمد، با بهبود نسبی شرایط اقتصادی بار دیگر شاهد تحول گفتمان حفظ محور به بسط محور و فراهم آمدن زمینه مناسب برای یک تغییر الگویی دیگر می باشیم که در انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری تجلی می نماید. به همین خاطر است که گفتمان حاضر را باید برخاسته از درون گفتمان سابق دانست:

«در واقع انتخابات دوم خرداد بر مبنای برنامه عمل نیروهای داخل نظام معنای خود را پیدا کرد ... و نشان داد ... تحول مهمی [در کشور] رخ [داده] که موجب قدرتمند شدن جناحها شد.» (۵۸)

فصل چهارم: الگوی امنیتی دولت آقای سید محمد خاتمی

الگوی امنیتی جمهوری اسلامی ایران از گذر دو مرحله پیشین توانست پختگی و قابلیت لازم برای ورود به سومین مرحله از حیات خود برخوردار گردد. بروز دشواریهای جدید، بیانگر طرح خواستههای تازه‌ای بود که در گفتمان سابق برای آنها پاسخی وجود نداشت. مهمترین این تحولات، تغییر نگاه جامعه و فرهیختگان: جامعه به توسعه بود که

طراحی الگوهای تازه‌ای را می‌طلبید:

«جامعه‌ای توسعه یافته است که در آن مشارکت اجتماعی وجود داشته باشد. افراد این جامعه با مسایل اجتماعی بیشتر درگیرند... طبیعی است که افراد این جامعه نیازهای بیشتری نسبت به گذشته دارند...» (۵۹)

در ادامه ضمن تأکید بر شرایط و مقتضیات تازه، به تحلیل الگوی امنیتی دولت آقای خاتمی می‌پردازیم.

الف - تغییر الگوی "امنیت - رقابت"

تجربه دو دهه حکومت و تلاش پی‌گیر برای استقرار جمهوری اسلامی و استوار ساختن مبانی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن، در نهایت منجر به اصلاح رابطه امنیت و رقابت در کشور شد به گونه‌ای که هم دولتمردان و هم نخبگان و توده‌های مردم به این نتیجه رسیدند که امنیت داخلی از ناحیه رقابتهای سالم سیاسی آسیب‌نندیده و حتی تقویت می‌شود. طرح الگوی تازه آقای خاتمی (که متعاقباً به بیان کلیات آن خواهیم پرداخت) و استقبال گسترده نخبگان و مردم از برنامه‌های ایشان - که در آثار و گفتار صاحبان فکر و اندیشه و حضور گسترده مردم در انتخابات دوم خرداد تجلی کرد (۶۰) - و پشتیبانی مقام رهبری از این سیاستها - به دنبال آغاز به کار آقای خاتمی و طرح شبهاتی مبنی بر عدم تأیید رهبری از برنامه‌های دولت - تماماً دلالت بر خواست و عزم ملی جهت حاکمیت الگویی تازه دارد. در باب این الگو توجه به اصول زیر ضروری می‌نماید:

۱- پیوستگی: نسبت الگوی دولت آقای هاشمی رفسنجانی با الگوی دولت آقای خاتمی الگوی دولت آقای خاتمی از آن حیث که با شرایط و مقتضیات روز مطابق می‌نمود، سومین گام در جهت بهبود وضعیت امنیتی در کشور به حساب می‌آید. گام نخست را حضرت امام علیه السلام در ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی برداشتند که دشوارترین مرحله بود و با الگوی "تحدید" توانستند جلوی فعالیتهای سیاسی برانداز را گرفته راه را برای ایجاد رابطه‌ای سالم بین امنیت داخلی و رقابت سیاسی هموار سازند. در ادامه با تأیید امام علیه السلام و بعد از ایشان آیت‌الله خامنه‌ای، دولت آقای هاشمی ضمن ثابت نگه داشتن فعالیتهای سیاسی به تقویت مبانی اقتصادی کشور - یعنی نقطه ضعف عمده ایران که ممکن بود در سالهای بعد برای ثبات و امنیت کشور خطر ساز باشد - همت گمارد. توفیق در این زمینه به معنای ضرورت تحول الگوی "امنیت - رقابت" بود که این بار آقای خاتمی عهده‌دار

این امر گردید. بدین خاطر از این نظرگاه، سه مرحله پیش در همسویی با یکدیگر بوده و ما شاهد بروز گسستی - چنان که بعضاً بیان گشته - نمی‌باشیم:

«انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ در حقیقت از سرگیری روندی بود که نوزده سال قبل در جریان انقلاب اسلامی آغاز شده بود.» (۶۱)

بدیهی است که تحلیل فوق از آن حیث که به ارتباط درونی این سه الگو توجه ندارد، ناقص بوده و بیانگر واقعیت سیاسی جامعه ما نمی‌تواند باشد. این بیان آقای خاتمی که «تنها آقای هاشمی رفسنجانی می‌توانست بعد از دوران دشوار دفاع مقدس این کارهای بزرگ را به انجام برساند.» (۶۲) دلالت بر پیوستگی این دو الگو و نفی نظریه گسست دارد.

۲ - مقاومت: شکاف بین توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی مانع اصلی توسعه

تغییر و تحول الگوها همیشه و در همه جوامع به سادگی رخ نمی‌دهد و بروز درصدی از مقاومت، طبیعی است. البته میزان این مقاومت در همه تحولها یکسان نیست، به گونه‌ای که در جریان اولین تحول - یعنی تغییر الگوی تحدید به الگوی تثبیت - این مقاومت کمتر مشاهده می‌شود و در تحول دوم - یعنی تغییر الگوی تثبیت به نفع الگوی تکرار - میزان آن بسیار بیشتر است. گذشته از پاره‌ای از حساسیتهای جناحی، بروز این مقاومت ریشه در وضعیت شکاف موجود بین دو مؤلفه توسعه در ایران - یعنی توسعه اقتصادی و سیاسی - دارد.

با توجه به شرایط کشور در دو مقطع تحول الگوها (۱۳۶۸ و ۱۳۷۶) معلوم می‌شود که شکاف مورد نظر در سال ۱۳۶۸ نسبت به سال ۱۳۷۶ بسیار کمتر می‌باشد. (نگاه کنید به نمودار شماره ۲) به عبارت دیگر نزدیکی وضعیت این دو مؤلفه کار را برای آقای هاشمی رفسنجانی جهت گذار به دوران تازه بسیار هموار می‌ساخت. از این رو مشاهده می‌شود که با کمترین میزان مقاومت، با اصلاح قانون اساسی پُست نخست‌وزیری، قدرت در ریاست جمهوری متمرکز می‌گردد. اما در سال ۱۳۷۶ به خاطر تأکید بر توسعه اقتصادی و ثابت نگاه داشتن روند اصلاحات سیاسی، این شکاف به شکل فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. (نگاه کنید به نمودار شماره ۲) از این رو تغییر الگو به سادگی ممکن و میسر نبوده و تحولات دو سال گذشته - حتی در مواردی که رنگ و صبغه حزبی و جناحی صرف دارد - از همین نظرگاه قابل تفسیر می‌باشد.

۳- ضرورت: تحلیل موضع‌گیری آقای میرحسین موسوی

با نزدیک شدن به پایان دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، صاحب نظران و تحلیل‌گران مختلف که از حیث وابستگی جناحی متنوع و بعضاً فارغ از این تعلقات بودند، به ضرورت بروز چنین تحولی تأکید ورزیده و یا حداقل وقوع آن را پیش‌بینی می‌نمودند. آقای حسن روحانی دبیر امنیت ملی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در یک تحلیل کلان به نقطه ضعف سیستم سیاسی کشور اشاره و آن را چنین تبیین می‌نماید: (۶۳)

«ما در کشورمان مشکلی داریم و اینکه انتخابات آزاد داریم، رقابت داریم ولی قالب درست برای این کار نداریم. چون قالب درست نداریم گاهی مشکل پیدا می‌کنیم.»^۱
با عنایت به زمان بیان این تحلیل که در اواخر دوره دولت آقای هاشمی رفسنجانی می‌باشد، می‌توان به کاهش کارایی الگوی "تثبیت" در گذر زمان پی برد. در همین زمان است که حجت‌الاسلام فاکر نماینده مشهد صراحتاً در نطقی اظهار می‌دارد: (۶۴)

«ما نیازمند یک خانه تکانی هستیم. رئیس‌جمهور آینده باید کسی باشد که قدرت این خانه تکانی را داشته باشد. کسی که می‌خواهد خانه تکانی کند...»^۲

همین معنا را بهزاد نبوی از دیدگاه دیگری تفسیر می‌کند، آن‌جا که می‌گوید: (۶۵)

«برخلاف دوره‌های قبل انتخابات ریاست جمهوری، در انتخابات دور هشتم مردم به جای رأی به فرد و شخص از جریانهای سیاسی و فکری که افراد را نامزد می‌کنند حمایت خواهند کرد.»^۳

دعاوی فوق‌الذکر چه با اغراض سیاسی مختلف ایراد می‌شد ولی دلالت بر یک واقعیت مهم داشت و آن هم این که تغییر الگوی "امنیت-رقابت" به مثابه یک ضرورت مهم باید صورت پذیرد و از این‌رو انتخاب دوم خرداد به معنای رأی به یک الگوی خاص بود که جناحهای مختلف مایل بودند، بتوانند نقش اصلی را در این میان ایفاء کنند.

با توجه به نیاز فوق‌الذکر که هم ملت و هم نخبگان و گروههای سیاسی مختلف، آن را احساس می‌کردند، نامزدی آقای میرحسین موسوی مطرح می‌گردد که علی‌رغم محبوبیت زیاد ایشان و حمایت‌های گروههای مختلف سیاسی، وی آن را نمی‌پذیرد. علت اصلی این عدم پذیرش به این واقعیت برمی‌گردد که به علل مختلف او نمی‌توانست پاسخ‌گوی نیاز اساسی جامعه و انقلاب - یعنی طراحی و اجرای الگویی تازه از امنیت

داخلی رقابت سیاسی - باشد. بدین خاطر در متن صادره برای ملت صراحتاً می نویسند: (۶۶)

«اظهار لطفهای مکرر ملت شریف، خدمتگزارانی که خداوند برای او مقرر فرموده است را مکلف می کند تا بیش از خود به منافع آنان بیندیشند و بیش از مصلحت خویشان به مصالح نظام مقدسی که از میان خون بهترین جوانان آنها برخاسته است پردازد ... این جانب ... در این باره اندیشیدم و هر چه بیشتر غوص کردم این کار را مفید و شایسته لطف و اعتمادی که مردم مهربان مرا قابل آن تصور فرموده اند، نیافتم ... اینک امیدوارم به وظیفه خویش در این برهه عمل نمایم اگر توانسته باشم در برابر حکم وفاداری و عقل، خودخواهی را پایمال کنم ...»^۱

از فحوای استدلال آقای موسوی چنین برمی آید که برای رعایت مصالح نظام، می باید شخص دیگری در این مقام قرار گیرد تا بتواند به نیازهای روز جامعه پاسخ دهد. از این رو عرصه را برای صاحب نظرانی که الگوی "امنیت - رقابت" مشخصی داشتند باز گذاردند. بیان خانم زهرا رهنورد در این خصوص نزدیک به واقعیت می نماید، آن جاکه در مقام تحلیل علت عدم حضور آقای موسوی می گوید: (۶۷)

«در مجموع به نظر می رسد که آن مدل مورد نظر موسوی و امکانات و ابزار لازم برای آن که مدل خود را پیاده کند وجود ندارد»^۲

ب - بستر شکل گیری "الگوی امنیت - رقابت" آقای خاتمی

جامعه ایران از حیث ملاحظات امنیتی در سالهای پایانی دهه دوم از حیات سیاسی - اجتماعی اش، با سه نگرش اصلی روبه رو بود:

۱ - دیدگاه "یکسان انگار" که موضوع "تکثر سیاسی" و رقابت را اساساً با اصول اسلامی سازگار نمی دید. این نگرش با استناد به پیشینه منفی رقابتهای سیاسی در بستر اسلامی و تحریف جریان امامت و تضعیف مبانی نظری آن با توسل به آرای متعارض اندیشه گران مسلمان (۶۸) به این نتیجه می رسد که تقسیم بندیهای امروزی بی اعتبار بوده و باید به کناری گذارده شود؛ از آن جمله:

«من تعریفهای موجود را در قالب دستجاتی چون چپ، راست، سستی و مدرن قبول ندارم. برای من خط امام، پیرو امام، مسلمان پیرو خط امام، پیرو خط ولایت فقیه، حافظ استقلال و تمامیت ارضی معنا دارد ... دو تعریف بیشتر وجود ندارد، پیروی از خط امام و سازندگی و نقطه مقابل آن.» (۶۹)

از این نظرگاه "وحدت سیاسی" و نه "رقابت سیاسی" مدنظر می‌باشد. ایراد این دیدگاه آن است که بدون لحاظ کردن مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی که انقلاب طی دو دهه تجربه کرده است، همچنان در مقام تحصیل امنیت داخلی به شیوه طرد گروه‌های رقیب و یک دست‌سازی می‌رود؛ یعنی الگویی که حضرت امام علیه السلام سابق بر این در مقام اصلاح و ترمیم آن با تأیید سیاست‌های به اجرا گذارده در دوره دولت آقای هاشمی، برآمدند. (۷۰)

۲- دیدگاه "تکثرگرا"، از این دیدگاه، تکثر گروه‌های سیاسی و فادار به نظام پدیده‌ای طبیعی تلقی می‌شود و این که در نهایت براساس اصل رقابت فعالیت می‌نمایند:

«تفکرات سیاسی - مذهبی ما عمدتاً در دو بخش اصلی سنت‌گرایان و نوگرایان تقسیم می‌شود که هر کدام از این گروه‌ها طیفی‌هایی دارد. البته این روند طبیعی انقلاب است.» (۷۱)

تکثرگرایی نیز تأییدات نظری و مستندات دینی خود را داشت که از آیات، روایات و گفته‌های امام علیه السلام قوت می‌گرفت. (۷۲) این دیدگاه طیف‌های گوناگونی را شامل می‌شد که علی‌رغم اختلاف در ایدئولوژی، در اصل وجود تکثر در رقابت سیاسی برای نیل به توسعه سیاسی با هم مشترک بودند. در مجموع می‌توان از نظر نیرو و توان، این جبهه را بزرگترین جبهه نظری - عملی در دوران قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به حساب آورد.

۳- دیدگاه "حافظ وضع موجود" از این نظرگاه، شرایط کشور به گونه‌ای بود که الگوی امنیتی "ثبیت" همچنان باید به حیات خود ادامه می‌داد تا از این طریق، توسعه اقتصادی به اهداف خود به طور کامل نایل می‌آمد. از این رو مشاهده می‌شود برخلاف موج گسترده‌ای که حکایت از ضرورت بروز تحول در الگوی حاکم بر کشور داشت، پیروان این دیدگاه از استمرار دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی سخن گفته و معتقد بودند برای تأمین امنیت بیشتر باید این کار بشود. آقای مرعشی در این باره می‌گوید:

«آقای هاشمی رفسنجانی با این امر موافق نیست چرا که وی محتاج ریاست جمهوری نیست بلکه کشور نیاز به خدمات ایشان دارد و ما به عنوان مردم کشور چه دلیلی دارد که بخواهیم دست خودمان را ببندیم. باید زمینه فراهم شود ... لذا ما به عنوان نمایندگان مردم خواست مردم را مطرح می‌کنیم و آقای هاشمی رفسنجانی در مقابل خواست عمومی شانه از زیر بار مسؤولیت خالی نخواهد کرد.» (۷۳)

از آن جا که لازمه این کار اصلاح قانون اساسی بود، طرح اصلاح قانون اساسی و یا

برگزاری یک همه‌پرسی و یا تمسک به مصوبات مجمع تشخیص مصلحت مطرح می‌شود تا از این طریق مانع قانونی نیز بر طرف گردد. آقای علیرضا محجوب به همین خاطر اظهار می‌دارد: «با همه‌پرسی از مردم می‌توان دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی را تمدید کرد.» (۷۴)

مخالفت گروه‌های سیاسی از جناح‌های مختلف، عدم موافقت رهبر انقلاب با این پیشنهاد و مخالفت شخص آقای هاشمی منجر به حذف این دیدگاه از صحنه انتخابات ریاست جمهوری گشت. این امر به علاوه اقبال گروه‌ها، دسته‌ها و انجمن‌های مختلف به دیدگاه دوم، فضای سیاسی کشور را به سوی هدایت نمود که جلوگیری از بروز تغییر و تحول در الگوی حاکم ناممکن به نظر می‌رسید.

ج - مؤلفه‌های عمده الگوی امنیتی آقای خاتمی

آقای خاتمی با توجه به تغییر رابطه امنیت داخلی با رقابت سیاسی خواهان اجرای الگوی تکثر سیاسی بود. مطابق این الگو، اصول زیر باید محترم شمرده می‌شوند:

۱ - بازتعریف وحدت در پرتو تکثر سیاسی:

«وحدت و وفاق به معنای یک رنگ و یک دست بودن جامعه نیست، چرا که چنین جامعه‌ای مرده و غیرفعال است.» (۷۵)

۲ - حضور همگان در اداره جامعه به مثابه یک حق:

«در باره اداره جامعه، نظریه‌های مختلفی وجود دارد و نباید تنها یک قشر را در حکومت بپذیریم. بلکه هر کسی که چارچوب نظام را پذیرفته باید حق انتخاب و حضور در صحنه را داشته باشد.» (۷۶) ... عدالت، امنیت، آزادی، توسعه و مشارکت همه نیروها در اداره کشور اولویتهای کاری [دولت] را تشکیل می‌دهد. (۷۷)

۳ - تأکید بر وجود رقابت سالم:

«وجود گرایش‌های متفاوت با اندیشه‌های مختلف باعث تقویت نظام و انقلاب است.» (۷۸) ... خوشبختانه الآن زمینه خوبی برای رقابت فراهم است؛ اما رقابت باید مبین طرز تفکرها باشد نه اشخاص.» (۷۹)

۴ - وجود تحمل به مثابه اصل اولیه توسعه:

«هر اندیشه‌ای که خواهان رشد است باید رقیب را تحمل کند و به مردم حق انتخاب بدهد.» (۸۰)

۵ - استقبال از دیدگاه‌های رقیب:

«باید فضایی را فراهم کرد که همه نیروهای متفکر بتوانند بدگاه‌های خود را مطرح کنند.» (۸۱) ... متفکران و اندیشمندان جامعه باید در فضایی آزاد و امن اظهار نظر بیابند.» (۸۲)

۶- افزایش نظارت مردمی بر جریان قدرت سیاسی:

«در جمهوری اسلامی مردم آزاد هستند، حق اعتراض دارند و می‌توانند حقوق خویش را بشناسند و آن را از حکومت بخواهند.» (۸۳)

۷- نقش حمایتی دولت از حقوق شهروندی:

«دولت باید برای همه کسانی که قانون اساسی را پذیرفته‌اند، امنیت لازم را ایجاد و از آنها دفاع کند.» (۸۴)

نتیجه آن که، انقلاب اسلامی با انتخاب دیدگاه آقای خاتمی الگوی سوم از ارتباط "امنیت-رقابت" را آزمود که مطابق شرایط تازه کشور طراحی شده بود و در حقیقت ادامه سیاستهای پیشین در سطح عالی تری بود.

د- آسیب‌شناسی الگوی «تکثر»

الگوی تکثر اگر چه از قابلیت‌های سیاسی بالایی برای نیل به توسعه بهره‌مند است ولیکن تنوع گروه‌ها و گسترش حوزه رقابتها یک خطر جدی برای امنیت کشور نیز به حساب می‌آید. بروز این خطر هنگامی خواهد بود که رقابت از چارچوب اصول موضوعه فراتر رفته، اصل و مبانی حکومت دینی را به مبارزه فرا خواند. تأکید بر اصل "انسجام ملی" (۸۵) و ضرورت انتخاب یک رئیس‌جمهور با میزان بالایی از آرای مردمی (۸۶) که پیوسته در زمان انتخابات ششمین دوره ریاست‌جمهوری به آنها استناد می‌شد، از همین حیث معنا پیدا می‌کند. به عبارت دیگر "رقابت" دارای فرهنگ سیاسی خاص خود می‌باشد که اگر درک نشود، جز تششت و پراکندگی نتیجه دیگری حاصل نمی‌آورد. مؤلفه‌های مورد تأکید آقای خاتمی در طراحی الگوی "تکثر" دلالت بر پیش‌بینی ایشان از چنین خطری و طرح راهکارهای پیش‌گیری‌کننده دارد. خلاصه کلام آن که الگوی تکثر به خاطر پیچیدگی خود، با آفتهای بیشتری هم مواجه است که از آن جمله می‌توان به فدا شدن مصالح دینی و یا منافع ملی به خاطر خواستهای جناحی، موضوعیت یافتن رقابت و به خطرافتادن انسجام ملی و کاهش توان ملی از محل رقابت‌های فزاینده اشاره کرد که طراحی راهکارهای اصلاحی آنها مجال دیگری را می‌طلبد. (۸۷)

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران به واسطه مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی‌ای که در دو دهه گذشته داشته، سه الگوی مهم برای تنظیم روابط "امنیت داخلی" با "رقابت سیاسی"

تجربه کرده است. در دوره اول به واسطه وجود رابطه معکوس بین این مقوله، حضرت امام علیه السلام علی‌رغم فشارهای زیاد داخلی و خارجی، الگوی "تحدید" را به اجرا گذاردند و با ایجاد وحدت در سطح سیاستگذاری (با تأسیس شورای انقلاب)، عمل سیاسی (با تأسیس حزب جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران) و حکومت (تأسیس جمهوری اسلامی)، موفق به تأمین امنیت کشور و گذار آن از مرحله تهدید به دوره استقرار شدند. در دوره جدید به خاطر تغییر شرایط، الگوی "امنیت-رقابت" با تأیید رهبری و در قالب برنامه‌های نوسازی آقای هاشمی یک گام به جلو گذارد و به الگوی تثبیت بدل گردید. با اجرای سیاستهای نوسازی اقتصادی، فضا و خواسته‌های سیاسی نیز تنوع و گسترش یافته و ما شاهد ایجاد شرایط تازه‌ای می‌باشیم که مبتنی بر "تعدد" و "مشارکت بیشتر" مردم و گروهها است. (۸۹) این تحول در شرایط، امکان تغییر الگوی امنیتی کشور و ورود به مرحله سوم که همان "الگوی تکرر" باشد را فراهم می‌آورد. پذیرش رقابت سیاسی به مثابه یک اصل مؤید امنیت داخلی، ویژگی بارز این الگو می‌باشد که با اهمیت یافتن توسعه سیاسی و گسترش سطح مشارکت مردمی متجلی می‌شود.

با نگاه به بیست سال گذشته و ارزیابی موقعیت دو مؤلفه اصلی "سیاست" و "اقتصاد" در سیاستگذاریهای کلان مملکتی، نظاره‌گر سیری مشابه آن چه در نمودار شماره (۲) آمده است، می‌باشیم. ایده اصلی نمودار این است که:

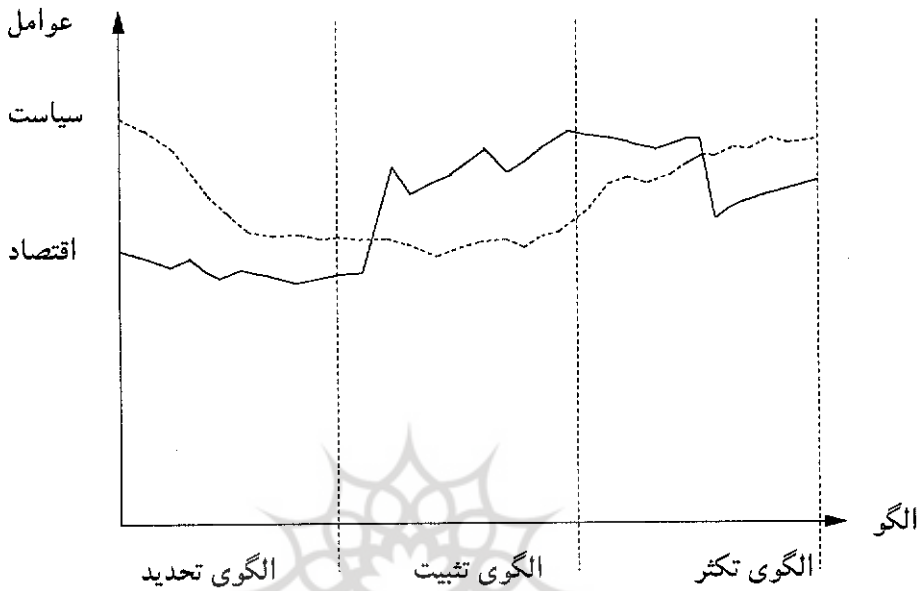
۱- در دوره اول از انقلاب اسلامی سعی اصلی بر جلوگیری از وخامت اوضاع اقتصادی و وحدت هرچه بیشتر گروههای سیاسی بوده است. در نتیجه شکاف بین این دو روند تا حد قابل توجهی کاهش یافته و کشور موفق می‌شود تهدیدات موجود را پشت سر بگذارد.

۲- در دوره دوم از انقلاب اسلامی سعی بر بهبود اوضاع اقتصادی بوده است. بنابراین مشاهده می‌شود که در یک مرحله شکاف بین اقتصاد و سیاست از بین رفته و کشور به مرز تعادل می‌رسد. تأکید بیش از حد بر اقتصاد و عدم توجه کافی به موضوع توسعه سیاسی، مجدداً به بروز شکاف منجر می‌شود.

۳- در دوره سوم شاهد روندی مخالف دوره دوم می‌باشیم و این به معنای استمرار وجود شکاف پیشین می‌باشد.

نمودار شماره (۲)

تصویر نمایشی روند کلی توسعه اقتصادی و سیاسی
در جمهوری اسلامی ایران



در بیان راهکارهایی برای صیانت از سلامت الگوی تکثر باید به دو مورد اشاره کرد:
 ۱- متأسفانه شکاف بین توسعه سیاسی و اقتصادی همچنان وجود دارد. سیاستهای به اجرا گذارده شده در قالب الگوی تثبیت از آن جاکه متکی بر توسعه اقتصادی و تثبیت فعالیت‌های سیاسی بوده، به شکل‌گیری این شکاف دامن زده است. در ذیل الگوی تکثر نیز به خاطر رشد زیاد توسعه سیاسی و کندی و بعضاً سقوط وضعیت اقتصادی، این شکاف همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. از این‌رو برنامه اصلی دولت آقای خاتمی باید متوجه کاهش این شکاف باشد تا الگوی "امنیت-رقابت" ایشان بتواند به هدف اصلی خود-یعنی استوارسازی مبانی امنیتی نظام از رهگذر توسعه سیاسی-نایل آید. به عبارت دیگر افزایش میزان توسعه سیاسی با عنایت به شرایط اقتصادی حاضر از حیث امنیتی توصیه نمی‌شود، از این‌رو دولت باید بکوشد تا با ارتقای وضعیت توسعه اقتصادی، بستر مناسب برای توسعه سیاسی را بیش از پیش فراهم سازد.

۲- از لحاظ ثبات و پایداری الگوهای سه‌گانه مزبور، ذکر این ملاحظه امنیتی ضروری می‌نماید که: از میان این سه الگو فقط الگوی تکثر است که ظرفیت بقا برای مدت زمانی طولانی را دارد و دو الگوی دیگر، الگوهایی موقتی هستند بدین صورت که:

- الگوی تحدید در صورت توفیق، به الگوی "ثبیت" و در صورت ناکامی به "انقلاب" منجر می‌شود.

- الگوی تثبیت در صورت ناکامی به الگوی "تحدید" و در صورت توفیق به الگوی "تکثر" منجر می‌شود.

از این رو هر دو الگو زمان‌مند هستند. اما الگوی تکثر اگر چه در صورت ناکامی الگوی تثبیت را در پی می‌آورد ولی در صورت کامیابی می‌تواند چشم‌انداز گسترده‌ای را در پیش روی خود داشته باشد که امکان بقای الگو برای دوره زمانی بلندمدتی را میسر می‌سازد. از این رو دولت آقای خاتمی باید در مقام نهادینه کردن اصل رقابت برآید تا از این طریق، الگوی تکثر بتواند به اهداف اولیه‌اش دست یافته، از برگشت به الگوی سابق دوری جوید. منظور از "نهادینه کردن رقابت" تعیین حدود، اصول اولیه و ضوابط حاکم بر این الگوست تا از این طریق گروه‌های رقیب به خط فرم‌های حوزه رقابت‌هایشان واقف و ملزم گردند.

نتیجه آن که در صورت توفیق الگوی دولت آقای خاتمی از "امنیت - رقابت"، جمهوری اسلامی وارد مرحله تازه‌ای از نشاط فعالیت‌های سیاسی - و به تعبیری توسعه سیاسی - می‌شود که با شرایط حاکم بر جهان تطابق بیشتری دارد. اما در صورت تضعیف یا ناکامی این الگو، سناریوهای قبلی بار دیگر تکرار خواهد شد که در هر صورت به معنای بروز تنش در داخل و همچنین کنندی یا توقف روند اصلاح الگوهای امنیتی در کشور می‌باشد. (۹۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

یادداشتها

- ۱ - صحیفه نور، ج ۲، صص ۶۱-۲
- ۲ - در این باره نگاه کنید به منابع زیر که به تحلیل شرایط انقلابی پرداخته‌اند:
 - Foran, John (Editor), **Theorizing Revolutions**, London, Routledge, 1991, esp. Part 1.
 - Goldstone, Jack and Ted Robert Gurr and Farrokh Moshiri, (Editors), **Revolutions of the late Twentieth Century**, Bouldern Ewstview Press, 1991.
- ۳ - به نقل از: برژنسکی، زیگنیو، در جستجوی امنیت ملی، ابراهیم خلیلی، تهران، سفیر، ۱۳۶۹، ص ۳.
- ۴ - معنای ایجابی امنیت در منابع زیر به تفصیل آمده است:
 - **Oxford English Dictionary**, 2th edition, Oxford, Clarendon, 1989.
 - Fisher, Dietrich, **Nonmilitary Aspects of Security: A System Approach**, Great Britain, Cambridge University Press, 1993, p. 10.
- ۵ - معنای سلبی امنیت در منابع زیر به تفصیل آمده است:
 - کاظمی، علی اصغر، زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران، قومس، ۱۳۷۰، صص ۱۱۵-۶.
 - Mandel, Robert, **The Changing Face of National Security**, London, Green Wood press, 1994.
- ۶ - در مورد اولویت "امنیت" بر سایر ارزشها نک:
 - افتخاری، اصغر، "حوزه نامنی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳، سال ۷۸، صص ۲۰-۱۱.
- 7 - See: Habermas, Jurgan, **Communication And Evolution of Society**, Trans. T. Mc Carthy, Boston, 1979.
 - Schwedler, Yillan (Editor), **Toward Civil Society in the Middle East: A Primer**, U.S.A. Lynne Rienner publishers, 1995.
 - Tester, Keith, **Civil Society**, London, Routledge, 1992.
- ۸ - تفسیر سنتی و کلاسیک از رقابت را در اثر زیر بخوانید:
 - فاستر، مایکل، ب.، خداوندان اندیشه سیاسی، جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، امیرکبیر، جلد اول، قسمت اول (افلاطون و ارسطو)، ۱۳۵۸.

۹- مبانی معرفتی و نظری "رقابت سیاسی" مطابق تفاسیر مدرن در منابع زیر آمده است:

- Marsh, David, Gerry Stoker, **Theory and Methods in Political Science**, Great Britain, Macmillan press, 1995.

- Varma, S.P., **Modern political Theory**, Delhi, Shandara, Nu Tech photolitho Craphers, 1975.

10 - See: Apter, David, **The Politics of Modernisation**, Chicago, The University of Chicage press, 1965.

- Esienstadt, S.N, **Tradition, Change and Modernity**, New York, 1973.

۱۱- در این باره نگاه کنید به تفاسیر تازه از "آزادی" در:

- برلین، آیزیا، چهار مقاله درباره آزادی، محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸، به ویژه صص ۵-۲۵

- Almond, G., **Political Development: Essays in Heuristic Theory**, New York, 1937.

۱۲- نک: پوجی، جانفرانکو، **تکوین دولت مدرن: درآمدی جامعه‌شناختی**، بهزادباشی، تهران، آگه، ۱۳۷۷، به ویژه مقدمه، صص ۱۷-۳۹. همچنین:

- افتخاری، اصغر، «تکوین دولت مدرن»، کتاب ماه، سال ۷۸، ش ۱۵ (علوم اجتماعی).

۱۳- در این باره نگاه کنید به اظهار نظر آقایان سیدمحمد موسوی بجنوردی، احمد آذری قمی، حجت‌الاسلام ایوبی و حاتم قادری در:

- علیخانی، علی اکبر (به اهتمام)، **مشارکت سیاسی**، تهران، سفیر، ۱۳۷۷، صص ۲-۲۳۶.

14 - Blondel, Jean, **Comparative Government: Introduction**, New York, Philip Allan, 1990, pp. 40-51.

۱۵- رابطه غیرمستقیم در نگرش‌های تمامیت‌خواه و استبدادی معمولاً ملاک است: نک:

- Skinner, Q. **The Foundations of Modern Political Thought**, Cambridge, Cambridge University press, 2 Vols, 1978.

- Lubasz, H. (ed), **The Development of the Modern State**, New York, Macmi' n, 1927.

۱۶- رابطه یکسویه معمولاً در جوامع در حال گذار مورد توجه است. نک:

- Dyson, K.H.F. **The State Tradition in Western Europe: A Study of an Idea And Institution**, Oxford, Martin Robertson, 1980.

۱۷- رابطه مستقیم معمولاً در جوامع دموکراتیک مورد نظر می‌باشد: نک:

- Hocking W.E., **Man and State**, London, G. Bell, 1920.

- Lathman, E., **The Group Basis to politics**, New York, Cornell University press, 1935.

۱۸- دراکر، پیتراف، **جامعه پس از سرمایه‌داری**، محمود طلوع، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ج ۲، ۱۳۷۵، ص ۱۳.

۱۹- درباره ماهیت انقلابها و ضرورت وجود مراحل سه‌گانه مذکور نک:

- Brinton, C., **The Anatomy of Revolution**, New York, 1965.

۲۰- این معنا در "نظری انقلاب پیوسته" یا "انقلاب در انقلاب" معمولاً می‌آید.

- ۲۱- رضوی، مسعود، هاشمی و انقلاب (تاریخ سیاسی ایران از انقلاب تا جنگ)، (مقدمه) هاشمی رفسنجانی، تهران، همشهری، ۷۶، ص ۲۲۶.
- ۲۲- خلیلی، اکبر، گام به گام با انقلاب اسلامی: یادداشتها، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، حوزه هنری، ج ۲، ۱۳۷۷، ص ۵۸.
- ۲۳- همان جا، ص ۲۲۳.
- ۲۴- در این باره نک: هاشمی و انقلاب، پیشین (یادداشت شماره ۲۱)، ص ۱۶۵.
- ۲۵- همانجا، ص ۱۷۰.
- ۲۶- در این باره نک:
- قاضی زاده، کاظم، اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی ره، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۷.
- افتخاری، اصغر، "فرزانگی و قدرت: درآمدی بر تئوری قدرت امام ره"، دانشگاه اسلامی، تابستان ۷۷.
- ۲۷- کاوراناک، دنیس، "ابعاد فرهنگ سیاسی"، حمید حامدی، همشهری، ۷۲/۱۲/۲۲، ص ۶.
- ۲۸- گام به گام با انقلاب اسلامی: یادداشتها، پیشین (یادداشت شماره ۲۲)، ص ۳۴۲.
- ۲۹- در این باره نگاه کنید به تحلیل جان دی. استمیل در:
- استمیل، جان، دی، درون انقلاب ایران، منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، بخش نهم.
- ۳۰- جهت اطلاع از سیر تاریخی تأسیس شورای انقلاب و تحلیل چرایی تأسیس این نهاد رک:
- برزین، سعید، زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، تهران، مرکز ۱۳۷۴، صص ۲۶۳-۴.
- ۳۱- هاشمی و انقلاب، پیشین (یادداشت شماره ۲۱)، ص ۲۰۴.
- ۳۲- نک: از حزب چه می‌دانیم؟ مصاحبه با دکتر باهنر و عسگر اولادی، شاخه دانش‌آموزان حزب جمهوری اسلامی، بی‌جا، بی‌تا.
- ۳۳- نک: مرانامه حزب، ۱۳۵۷.
- ۳۴- صحیفه نور، ج ۵، سخنرانی مورخه ۵۷/۱۲/۱۸.
- ۳۵- به نقل از: هاشمی و انقلاب، پیشین (یادداشت شماره ۲۱)، ص ۲۰۱.
- ۳۶- به نقل از: همان.
- ۳۷- همان جا، صص ۱۹۹-۲۲۰.
- ۳۸- نک: همان جا، صص ۱۷۳-۶.
- ۳۹- بازرگان، مهدی، انقلاب ایران در دو حرکت، نهضت آزادی ایران، ج ۵، ۱۳۶۳، صص ۱۴۰-۵.
- ۴۰- زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، پیشین (یادداشت شماره ۳۰)، ص ۲۶۸.
- ۴۱- این تحلیل را مرحوم بازرگان در مواضع مختلفی پرورش داده است. رک:
- بازرگان، مهدی، مشکلات و مسایل اولین سال انقلاب، تهران، نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲.
- بازرگان، مهدی، شورای انقلاب و دولت موقت، تهران، نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱.
- ۴۲- روزنامه انقلاب اسلامی، مورخه ۵۸/۶/۲۲.

- ۴۳- گذشته از گرایش لیبرال، گرایشهای برانداز و جریان دینی وابسته به رهبری شیخ علی تهرانی، نیز عمل می‌کردند. در این باره نک:
- فارسی، جلال‌الدین، زوایای تاریک، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی. همچنین به جراید روز در ماههای بهمن و اسفندماه ۱۳۵۸ مراجعه کنید.
- ۴۴- هاشمی و انقلاب، پیشین (یادداشت شماره ۲۱)، ص ۲۰۳.
- ۴۵- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۱۷.
- ۴۶- در این باره نک:
- مزارعی، عدنان، "اقتصاد ایران بعد از انقلاب: از هم‌گسیختگی و پوپولیسم"، پرویز صداقت، فرهنگ توسعه، سال ۶، ش ۲۶، سال ۱۳۷۶، به‌ویژه صص ۳۰-۴۰.
- گزارش نهایی برآورد خسارات اقتصادی جنگ تحمیلی، تهیه و تدوین: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹.
- ۴۷- اطلاعات، ۷۰/۵/۱۹.
- ۴۸- به نقل از: ولی‌پور زرومی، سیدحسین، "گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران" فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم، تابستان ۱۳۷۷، ص ۷۴.
- ۴۹- همان جا، ص ۷۶.
- ۵۰- همان جا، ص ۷۸.
- ۵۱- نک: نیلی، مسعود (تدوین و تنظیم)، اقتصاد ایران، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶.
- ۵۲- نک: شناسنامه تشکلهای و احزاب سیاسی جمهوری اسلامی ایران، وزارت کشور، اداره کل سیاسی، تهران، کمیل، ۱۳۷۷، صص ۶ و ۵.
- ۵۳- نک: "توسعه فرهنگی: گفتاری در مبادی، امکانات و برنامه‌های گسترش فرهنگ در ایران"، همشهری، ۷۳/۹/۳.
- ۵۴- درباره ملاحظات اقتصادی در برنامه‌های توسعه ایران نک:
- رزاقی، ابراهیم، الگویی برای توسعه اقتصادی در ایران، تهران، توسعه، ۶۹.
- ۵۵- درباره ارتباط وضعیت معیشتی با نیازهای تازه اجتماعی نک:
- وولک، مانفرد، "علل تداوم توسعه‌نیافتگی"، هوشنگ ناییبی، همشهری، ۱۲ اسفند، ۷۲.
- ۵۶- کاتوزیان، محمدعلی همایون، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، ج ۵، ۷۴، بویژه بخش ۴ کتاب.
- ۵۷- شرح این تحلیل را در منابع زیر بخوانید:
- حکمتی، علی، "بحرانهای فرهنگی توسعه"، همشهری، ۷۲/۱۲/۱۲.
- برزین، سعید، جناح‌بندی سیاسی در ایران، از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران، مرکز، صص ۴۸-۸۵.
- ۵۸- همان جا، صص ۸۸-۹.
- ۵۹- به نقل از: "سنت و توسعه"، گفتگو با دکتر غنی‌نژاد و دکتر آزاد، همشهری، ۷۳/۹/۴، ص ۶.

- ۶۰- جهت اطلاع از رویکرد جامعه علمی به آرمانهای آقای خاتمی نک:
- آرمین، محسن و حجت رزاقی (گردآورنده)، بیم‌ها و امیدها: دولت خاتمی از دیدگاه صاحب‌نظران، تهران، همشهری، ۱۳۷۸.
- ۶۱- مرتجی، حجت، جناح‌های سیاسی در ایران امروز، تهران، انتشارات نقش و نگار و انتشارات شفیع، ۱۳۷۷، ص ج.
- ۶۲- به نقل از: همشهری، ۷۵/۱۲/۷.
- ۶۳- به نقل از: همشهری، ۷۵/۶/۱۰.
- ۶۴- به نقل از: رسالت، ۷۵/۷/۱۶.
- ۶۵- به نقل از: جمهوری اسلامی، ۷۵/۱۲/۹.
- ۶۶- به نقل از: سلام، ۷۵/۸/۷.
- ۶۷- به نقل از: کار و کارگر، ۷۵/۹/۲.
- ۶۸- در این باره نک:
- ظریفیان، غلامرضا، دین و دولت در اسلام: پژوهشی نظری از آغاز تا پایان خلافت راشدین، تهران، مؤسسه علمی و فرهنگی میراث ملل، ۱۳۷۶، صص ۵۸۶۳ و ۱۵۲۰۴.
- لمبتون، آن.کی. اس، دولت و حکومت در اسلام: سیری در نظریه سیاسی فقهای مسلمان از صدر اسلام تا اواخر قرن ۱۳، عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۴.
- ۶۹- به نقل از: رسالت، ۷۴/۱۲/۶.
- ۷۰- جهت مطالعه دیدگاه امام (ره) از این منظر نک:
- قادری، حاتم، اندیشه‌هایی دیگر: مقالاتی در شناخت درگانه اسلام و ایران، تهران، بقعه، ۱۳۷۸، مقاله "دموکراسی و تکلیف: مطالعه موردی امام خمینی"، صص ۳۱۱-۳۲۸. (ادعای مؤلف آن است که: در اندیشه امام دموکراسی در بهترین حالت در طول مفهوم تکلیف جای دارد).
- ۷۱- به نقل از: اطلاعات، ۷۶/۲/۲۰ (سخنان آقای محمدجواد حجتی کرمانی).
- ۷۲- نک: مشارکت سیاسی، پیشین، (یادداشت شماره ۱۳).
- زکریایی، محمدعلی، جامعه‌شناسی روشنفکری، تهران، بنیاد فرهنگ و اندیشه معاصر، ۷۸.
- ۷۳- به نقل از: سلام، ۷۵/۶/۲۶.
- ۷۴- به نقل از: همشهری، ۷۵/۶/۱۲.
- ۷۵- به نقل از: ایران، ۷۵/۱۲/۲۲.
- ۷۶- اخبار، ۷۵/۱۲/۲.
- ۷۷- به نقل از: جمهوری اسلامی، ۷۵/۱۲/۷.
- ۷۸- همان، ۷۵/۱۲/۹.
- ۷۹- سلام، ۷۵/۱۲/۸.
- ۸۰- اخبار، ۷۵/۱۲/۲.
- ۸۱- همشهری، ۷۵/۱۲/۱۸.

۸۲- اطلاعات، ۷۶/۱/۲۰.

۸۳- سلام، ۷۶/۱/۱۰.

۸۴- اخبار، ۷۶/۱/۲۰.

۸۵- هاشمی رفسنجانی: "ما به هیچ وجه نباید انسجام ملی را از دست بدهیم چرا که همه از این حادثه آسیب خواهند دید" (اخبار، ۷۵/۱۲/۲)

۸۶- "این که ما روی تحدید دوره آقای هاشمی اصرار داریم برای این است که ریاست جمهوری با رأی قوی مردم داشته باشیم" (سلام، ۷۵/۶/۲۶)

۸۷- نک: افتخاری، اصغر، حوزه ناامنی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳، سال ۷۸. [در مقاله «حوزه ناامنی: بنیادهای فرهنگی مدیریت استراتژیک و مقوله امنیت داخلی در ایران» راه مقابله با این آفات را اتخاذ سیاست "همسویی با تحرک مثبت" از سوی دولت و ملت دانسته‌ام که به نظر می‌رسد بتواند مکمل خوبی برای الگوی امنیتی تکثر باشد.]

۸۹- مبانی نظری این تحول را در اثر زیر بخوانید:

- مور، برینگتن، ریشه‌های اجتماعی و دیکتاتوری و دموکراسی، حسین بشیریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.

۹۰- در مورد شرایط سیاسی اجتماعی تازه ایران و آثار مترتب بر الگوی امنیت - رقابت آقای خاتمی نک:

- صادق‌الحسینی، محمد، الخاتمیة: المصالحة بين الدين والحرية، لبنان، دارالجدید، ۱۹۹۹، صص:

۲۳-۱۵۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی